تسهیلات بانکی و گسست تنظیم‌گری در نظام حکمرانی آن



یادداشت

محمدعلی صادقی
پژوهشگر حوزه حقوق و اقتصاد دیجیتال

یکی از مسائل مغفول در نظام بانکی کشور، فقدان یک نظام حکمرانی منسجم، شفاف و الزام‌آور برای نحوه اخذ وثیقه یا تضمین تسهیلات بانکی است. مسأله‌ای که در ظاهر ممکن است صرفاً اختلافی در رویه اجرایی بانک‌ها به نظر برسد، اما در واقع از یک گسست در نظام حکمرانی و مدل تنظیم‌گری بانک‌ها حکایت دارد. پیامد این گسست منجر به تضعیف حقوق اقتصادی مشتریان و ضامنان می‌شود. امروز در نظام بانکی کشور، به نظر می‌رسد هر بانک، متناسب با سیاست داخلی و رویه‌های اختصاصی خود، قواعد خاص خود را برای اخذ تضمین وضع کرده است؛ در یک بانک، میزان وثایق مطالبه‌شده ممکن است چند برابر اصل تسهیلات باشد. در بانک دیگر، نوع خاصی از تضمین مطالبه می‌شود و در برخی از بانک‌ها نیز، بندهای «ج» و «د» ماده ۱۳ قانون صدور چک صراحتاً مورد نقض قرار می‌گیرند. بنابراین مشتری یا ضامن با الزاماتی مواجه می‌شود که عملاً امکان برخورداری از حمایت‌های قانونی را محدود می‌کند. این وضعیت، پرسش مهمی را ایجاد می‌کند که آیا قرار است هر بانک، در قلمرو روابط اعتباری خود، نظام حقوقی مستقلی برای شهروندان تعریف کند؟ مشتریان نیز می‌بایست به صورت الزامی این شرایط را به عنوان یک پکیج (همانند قراردادهای الحاقی) قبول کنند یا از کل آن صرفنظر نمایند؟ در یکی از مهم‌ترین مثال‌های فوق، مطابق ماده ۱۳ قانون صدور چک، در مواردی که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی صادر شده باشد، صادرکننده آن قابل تعقیب کیفری نیست. نکته مهم‌تر آنکه قانونگذار در بند «د» همین ماده، حتی فرضی را نیز پیش‌بینی کرده است که تضمینی بودن چک در متن آن تصریح نشده باشد. به عبارت دیگر، صرف درج نشدن عبارت «بابت ضمانت» در متن چک، لزوماً ماهیت تضمینی آن را از بین نمی‌برد و مانع استناد به حمایت مقرر در قانون نیست، با وجود این حکم صریح، رویه برخی بانک‌ها این است که بر اساس آن، مشتری یا ضامن ملزم می‌شود چک را بدون درج عبارت «بابت ضمانت» و مستقیماً در وجه بانک صادر کند. چنین رویه‌ای، به‌ویژه اگر با هدف فراهم کردن امکان تعقیب کیفری صادرکننده چک طراحی شده باشد، محل ایراد جدی حقوقی است. قانونگذار در بند «د» ماده ۱۳ دقیقاً برای جلوگیری از بی‌اثر شدن حمایت قانونی در چنین وضعیتی، امکان اثبات تضمینی بودن چک را حتی بدون تصریح در متن آن به رسمیت شناخته است. بنابراین، بانک نمی‌تواند با تحمیل شیوه نگارش خاص بر مشتری، آثار قانونی یک رابطه تضمینی را از میان ببرد. البته اثبات تضمینی بودن چک در فرض عدم تصریح در متن، مستلزم ارائه دلیل و احراز موضوع در مرجع قضایی است. روی دیگر این مبحث سوءاستفاده از نابرابری قدرت چانه‌زنی است. مسأله فقط یک اختلاف تفسیری درباره قانون صدور چک نیست. باید به موقعیت واقعی اشخاصی توجه کرد که برای دریافت تسهیلات یا ضمانت از تسهیلات دیگران، به شعب بانکی مراجعه می‌کنند. مشتری در بسیاری از این روابط، نه امکان مذاکره درباره شروط قرارداد را دارد و نه قدرت انتخاب آزادانه میان انواع تضمینات را و نه حتی مرجعی که بتواند به سهولت اعتراض خود را مطرح نموده و حقوق قانونی خود را مطالبه نماید. این عدم حق انتخاب حتی در مواردی که با بانک‌های خصوصی مواجه هستیم دو چندان می‌شود. برخی بانک‌های خصوصی با صرف این مدعا که این بنگاه خصوصی است از اجرای قوانین سرباز می‌زنند و این در حالی است که بانک‌ها هرچند خصوصی باشند، مطابق قوانین کشور عهده‌دار خدمت عمومی بوده و می‌بایست در چارچوب قوانین آمره و نظام تنظیم‌گری پولی و بانکی کشور عمل کنند. بنابراین در چنین شرایطی، وقتی بانک از مشتری می‌خواهد چکی صادر کند که در متن آن هیچ اشاره‌ای به تضمینی بودن نشده باشد، مشتری عموماً نه از آثار حقوقی این اقدام آگاهی کافی و نه قدرت مخالفت با آن را دارد. نتیجه این وضعیت، انتقال نامتوازن ریسک بار اتهام کیفری به شهروندانی است که صرفاً برای دریافت یک تسهیلات یا ضمانت از یک تسهیلات، وارد رابطه تضمین بانکی شده‌اند. اگر هدف از چنین رویه‌ای، تسهیل تعقیب کیفری ضامن باشد، موضوع دیگر صرفاً یک انتخاب قراردادی نیست، بلکه با مسأله‌ای جدی در زمینه رعایت حقوق اشخاص، حسن نیت در روابط قراردادی و حدود اختیار مؤسسات بانکی مواجه هستیم.

مطابق ماده ۶ آیین‌نامه تسهیلات اعطایی بانکی، اعطای تسهیلات عنداللزوم و به تشخیص بانک، منوط به اخذ تأمین کافی برای حفظ منافع بانک و حسن اجرای قراردادهای مربوط است. این حکم، اختیار بانک در مطالبه تأمین را به رسمیت می‌شناسد. اما پرسش اساسی این است که حدود این اختیار کجاست؟ آیا عبارت «اخذ تأمین کافی» مجوزی نامحدود برای تعیین هر نوع وثیقه، به هر میزان و با هر کیفیتی است؟ آیا بانک می‌تواند بدون رعایت یک چارچوب متناسب و شفاف، هر شرطی را به مشتری تحمیل کند و آیا بانک می‌تواند به اختیار خود و فراتر از قانون ماهیت تضمین را به مقوله کیفری افزایش دهد؟ بدیهی است که اختیار بانک در ارزیابی ریسک اعتباری و مطالبه تأمین، نباید به اختیار نامحدود و غیرقابل نظارت در طراحی شروط قراردادی تبدیل شود. کلام پایانی اینکه نمی‌توان از یک سو بانک‌ها را به‌عنوان نهاد برخوردار از امتیازات و اختیارات ویژه در نظام اقتصادی کشور به رسمیت شناخت و از سوی دیگر، تنظیم روابط آنان با شهروندان را به رویه‌های داخلی و تصمیمات سلیقه‌ای هر مؤسسه اعتباری واگذار کرد. بانک حق دارد برای صیانت از منابع خود و مدیریت ریسک اعتباری، تأمین کافی مطالبه کند. اما این حق، مجوزی برای تحمیل تضمینات نامتناسب، تضعیف حقوق ضامنان یا بی‌اثر کردن حمایت‌های قانونی نیست. باید این پرسش را جدی گرفت که اگر هر بانک بتواند به تشخیص خود میزان، نوع و حتی آثار حقوقی تضمینات را تعیین کند، پس جایگاه تنظیم‌گر پولی و بانکی کشور در صیانت از حقوق عمومی و ایجاد وحدت رویه کجاست؟ بانک‌ها نباید در قلمرو قراردادهای خود به قانون‌گذاران خودخوانده تبدیل شوند.

> وقتی بانک از مشتری می‌خواهد چکی صادر کند که در متن آن هیچ اشاره‌ای به تضمینی بودن نشده باشد، مشتری عموماً نه از آثار حقوقی این اقدام آگاهی کافی و نه قدرت مخالفت با آن را دارد. نتیجه این وضعیت، انتقال نامتوازن ریسک بار اتهام کیفری به شهروندانی است که صرفاً برای دریافت یک تسهیلات یا ضمانت از یک تسهیلات، وارد رابطه تضمین بانکی شده‌اند

درباره شرکت‌های نوین مشاوره سرمایه‌گذاری

صورتحسابت را خودت پرداخت کن!



یادداشت

مسعود یوسفی
دبیر گروه اقتصادی

سال ۱۸۶۵ پارلمان بریتانیا قانونی تصویب کرد که امروز خواندنش هم مایه خنده است. بر پایه این قانون، حداکثر سرعت مجاز برای وسایل نقلیه بخارِی جاده‌ای در شهر بیش از دو مایل بر ساعت و در جاده بیرون شهر کمی بیش از چهار مایل بر ساعت بود. یعنی حرکت یک ماشین در شهر کندتر از عابر پیاده. تازه، طبق قانون یک نفر هم باید با پرچم قرمز، ۶۰ یارد جلوتر از آنها راه می‌رفت تا به همه خبر بدهد که «آهای! ماشین آمد، پناه بگیرید.» در واقع، مهندس‌ها ماشین را ساخته بودند، اما حکمرانان مقررات را بر مبنای اسب می‌نوشتند.

قصه به همین جا ختم نمی‌شد. بنا بر روایت‌های تاریخی، راه‌آهن و صاحبان حمل‌ونقل اسبی هم از این محدودیت‌ها بی‌نصیب نبودند؛ جالب اینکه هیچ کس نمی‌گفت «ما از ترسمان با رقابت مخالفیم»، همیشه می‌گفتند «برای ایمنی مردم» این کار را می‌کنیم. سرانجام در ۱۸۹۶ قانون عوض شد، سقف سرعت به ۱۴ مایل (حدود ۲۳ کیلومتر) رسید و آن مرد پرچم‌به‌دست هم با بیمه و مخلفات بازنشسته شد. ۳۱ سال طول کشید و حساب این تأخیر، طبق معمول، به نام کسانی ثبت شد که سر میز تصمیم‌گیری ننشسته بودند: مردم. حالا همین ماجرا را در بازار سرمایه ببینید، با بازیگران جدید. مدت‌هاست که در دنیا، مشاوره سرمایه‌گذاری از برگزاری جلسات حضوریِ پرهزینه به ترکیبی از الگوریتم و متخصص انسانی رسیده است. روبومشاورها درباره هدف، افق زمانی، درآمد و تحمل ریسک می‌پرسند، سبد پیشنهادی می‌سازند و آن را بازتوازن می‌کنند؛ نمونه‌اش Betterment و Wealthfront در آمریکا هستند و اتفاقاً بسیاری از این سامانه‌ها هوش مصنوعی مولد نیستند و بر پرسشنامه و قواعد تخصیص دارایی تکیه دارند. این موج تازه‌ای است که گفت‌وگوی زبانی، خلاصه‌سازی گزارش‌ها، تحلیل انبوه داده و اخبار و سناریوسازی را به پروسه افزوده؛ آن هم نه به‌جای مشاور انسانی، که کنار او. خب حالا ما که در کشورمان سامانه معاملاتی آنلاین داریم. صندوق و تحلیل تکنیکال و بنیادی هم داریم. پس مشکل کجاست؟ آنچه ما کم داریم مشاوره در دسترس عموم است که سرمایه‌گذار را بشناسد، ریسک‌پذیری‌اش را بسنجد و هزینه و ریسک هر پیشنهاد را شفاف بگوید. شاید تعجب کنید اما این کمبود دو دلیل ساده دارد. اول اینکه ساختار و رویه نظارتی ما هنوز آماده این پدیده نیست: به جای آنکه مدل تازه را با کارکرد و ریسکش بسنجند، سریعاً این پرسش را مطرح می‌کنند که «در کدام قالب قدیمی جا می‌گیرد؟» درست مثل اینکه از خودرو بپرسند «پس اسبت کجاست؟» دوم اینکه بازیگران سنتی که از وضع موجود سهم و مزیت دارند، از مدلی که هزینه مشاوره را پایین می‌آورد و انحصار دسترسی به مشتری را می‌شکند، دل خوشی ندارند. مثل صاحبان اصطبل‌ها و اسب‌ها در بریتانیای سال ۱۸۶۵.

این به معنای متهم‌کردن همه نهادهای سنتی نیست بلکه هشدار درباره یک خطر ساختاری است: وقتی منافع بازیگران مستقر بر تصمیم نظارتی سایه بیندازد، تنظیم‌گری از داور رقابت به سپر وضع موجود تبدیل می‌شود. لازم نیست ما هم ۳۱ سال صبر کنیم و هزینه بدهیم تا ماشین به رسمیت شناخته شود. تجربه جهانی نشان می‌دهد می‌شود هم از سرمایه‌گذار محافظت کرد و هم به مدل‌های ترکیبی و فناورانه میدان داد به شرط نظارتی مدرن، مستقل، شفاف و متناسب با ریسک. فکر نکنید با حذف مشاورها سرمایه‌گذار خرد بیکار می‌نشیند. خیر. صاف می‌رود سراغ بازار سیاه «سیگنال‌فروشی»؛ جایی که کیفیت و تعارض منافع را هیچ‌کس نمی‌سنجد و نتیجه‌اش می‌شود تصمیم‌های هیجانی، هزینه معاملاتی بیشتر، زیان قابل‌اجتناب و بی‌اعتمادی به بازار. حمایت واقعی از مردم یعنی دسترسی به ابزارهای تازه‌تر و بهتر، نه محروم‌کردنشان از آن به نام حمایت. مرد پرچم‌به‌دست را در بریتانیا سرانجام بازنشسته کردند؛ پرسش فقط این است که ما چند سال دیرتر این کار را می‌کنیم؟ و صورتحسابش را به نام چه کسانی فاکتور می‌کنیم؟

اطلاع‌رسانی

(آب) در فرابورس درخشید؛

استقبال گسترده سرمایه‌گذاران از نخستین پالایشگاه آب ایران

کشف قیمت سهام توسعه آب آسیا ۴۹.۲۵ درصد بالاتر از ارزش‌گذاری مبنا؛ چشم‌انداز سودآوری ۱۲.۶ هزار میلیارد تومانی در سال ۱۴۰۶



ورود شرکت مهندسی توسعه آب آسیا از مجموعه گروه‌های شرکت تأمین و انتقال آب خلیج فارس (واسکو) به بازار سرمایه، تنها یک عرضه اولیه در فرابورس ایران نبود؛ بلکه رویدادی مهم در معرفی ظرفیت‌های اقتصادی صنعت آب و شیرین‌سازی کشور به سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه به شمار می‌رود.

این شرکت که به‌عنوان نخستین پالایشگاه آب ایران شناخته می‌شود، روز چهارشنبه ۴ آذرماه ۱۴۰۵ با نماد معاملاتی «آب» در فرابورس ایران عرضه اولیه شد و با استقبال قابل توجه سرمایه‌گذاران، نخستین گام خود را در بازار سرمایه با موفقیت برداشت.

استقبال چشمگیر بازار سرمایه از نماد (آب)

در مرحله نخست عرضه اولیه که به روش حراج انجام شد، قیمت هر سهم شرکت ۷ هزار و ۹۸۱ ریال کشف شد؛ رقمی که ۴۹.۲۵ درصد بالاتر از ارزش‌گذاری مبنا بود.

در این مرحله ۲۳۴ صندوق سرمایه‌گذاری مشارکت کردند و به ۱۳۱ صندوق تخصیص سهام صورت گرفت.

در مرحله دوم نیز یک میلیون و ۹۷۲ هزار و ۴۷۱ کد حقیقی و ۲ هزار و ۱۲۰ کد حقوقی در عرضه شرکت مشارکت کردند و حداکثر ۸۳۷ سهم به هر کد اختصاص یافت. این میزان مشارکت، نشان‌دهنده توجه فعالان بازار سرمایه به ظرفیت‌های صنعت آب و جایگاه شرکت مهندسی توسعه آب آسیا در زنجیره تأمین آب کشور است.

ظرفیت عملیاتی ۴۰۰ هزار مترمکعب در شبانه‌روز

توسعه آب آسیا با برخورداری از ظرفیت عملیاتی روزانه ۴۰۰ هزار مترمکعب، یکی از مجموعه‌های فعال و اثرگذار در حوزه شیرین‌سازی و تأمین آب موردنیاز بخش‌های شرب و صنعت کشور محسوب می‌شود. این شرکت با بهره‌گیری از زیرساخت‌های تخصصی، تأمین بخشی از آب شرب استان هرمزگان و بخش عمده‌ای از نیاز مصرف‌کنندگان صنعتی را بر عهده دارد. اهمیت فعالیت شرکت زمانی بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم تأمین پایدار آب، یکی از زیرساخت‌های اساسی استمرار تولید در صنایع بزرگ کشور است. در چنین شرایطی، توسعه آب آسیا با تکیه بر ظرفیت‌های عملیاتی و قراردادهای فروش آب، نقش مهمی در پشتیبانی از فعالیت‌های صنعتی و مدیریت محدودیت منابع آبی ایفا می‌کند.

درآمدزایی و چشم‌انداز روشن سودآوری

یکی از ویژگی‌های مهم مدل کسب‌وکار توسعه آب آسیا، برخورداری از درآمدهای مبتنی بر یورو در قراردادهای فروش آب صنعتی است همچنین سازوکار فروش آب و دریافت درآمد حاصل از آمادگی ظرفیت، در کنار بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود، زمینه مناسبی برای استمرار درآمدزایی و افزایش سودآوری شرکت فراهم کرده است.

ظرفیت آماده برای پاسخ‌گویی به نیاز صنایع

یکی از مزیت‌های رقابتی توسعه آب آسیا، برخورداری از ظرفیت آماده و امکان پاسخ‌گویی به افزایش تقاضای مصرف‌کنندگان صنعتی است.

به گفته مدیرعامل شرکت، با توجه به ظرفیت‌های موجود و امکان استفاده از ظرفیت آمادگی آب در شرایط فعلی این اجازه را به شرکت می‌دهد بدون تحمیل سرمایه‌گذاری سنگین جدید از زیرساخت‌های موجود برای پاسخ‌گویی به افزایش تقاضا بهره‌برداری کند.

آب؛ سرمایه‌ای راهبردی برای آینده اقتصاد ایران

عرضه اولیه شرکت مهندسی توسعه آب آسیا را می‌توان نقطه عطفی در پیوند صنعت آب با بازار سرمایه دانست؛ رویدادی که ضمن فراهم‌کردن امکان مشارکت سرمایه‌گذاران در یکی از حوزه‌های زیرساختی و راهبردی کشور، فرصت معرفی ظرفیت‌های اقتصادی صنعت شیرین‌سازی آب را نیز فراهم کرده است.

توسعه آب آسیا با اتکا به زیرساخت‌های عملیاتی، قراردادهای فروش آب، درآمدهای ارزی، ظرفیت‌های آماده و برنامه‌های مدیریت مالی، چشم‌اندازی قابل‌توجه در مسیر فعالیت‌های آتی خود ترسیم کرده است.

بی‌تردید، ورود این شرکت به فرابورس می‌تواند زمینه‌ساز افزایش شفافیت، ارتقای حاکمیت شرکتی، توسعه تعامل با سرمایه‌گذاران و تقویت جایگاه صنعت آب در اقتصاد کشور باشد.

